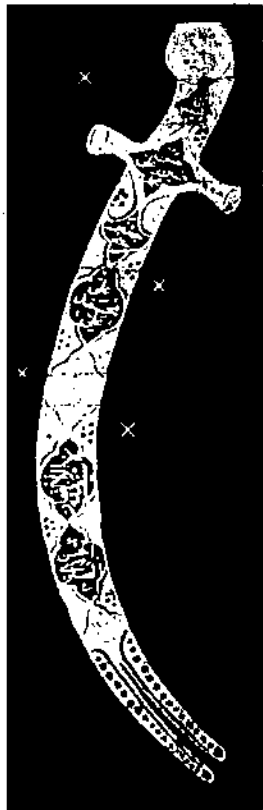


تجلی سیمای علی (ع) در شعر کودک و نوجوان

○ منوچهر علی پور



از آن جا که داستان های کودک و نوجوان در کشور ما، عموماً و داستان های مذهبی خصوصاً، تنها برای مخاطب ایرانی بهره مند از حداقل توجهی معلومات، نوشته می شود، بسیاری از نکات، «معلوم» فرض می شود و همین جا، این سوال پیش می آید که آیا اساساً آثار ادبی از این دست، صرفاً برای لذت ادبی مخاطب نوشته می شود و یا مسئله آموزش و آرائه بینش هم در آنها مطرح است؟

نویسندگان مذهبی نویس به شخصیت های مذهبی عنوان شد، مشکل به نظر می رسد. آن چه تا این جا گفته شد، با در نظر گرفتن این پیش فرض بود که خواننده این اثر، نوجوانی بهره مند از حد مطلوب اطلاعات دینی و مذهبی است و اثر را به صرف برخوردار از لذت مطالعه ادبیات، انتخاب کرده است. اما آیا نوجوان دیگری که از این خصوصیات بهره مند نیست، می تواند با این کتاب ارتباط برقرار کند و سرانجام، به تعریفی مشخص از این شخصیت برسد و او را دوست داشته باشد؟

بدون تردید، نویسنده، در نگارش این اثر، چنین مخاطبی را فرض نکرده و از یاد برده است. چرا که با در نظر گرفتن این گروه از مخاطبان، کتاب «ماه در چاه» که فرازهایی از زندگی امیرمؤمنان را بدون شرح جزئیات و طرح نکات اساسی، تصویر کرده است، کاربردی پیدا نمی کند.

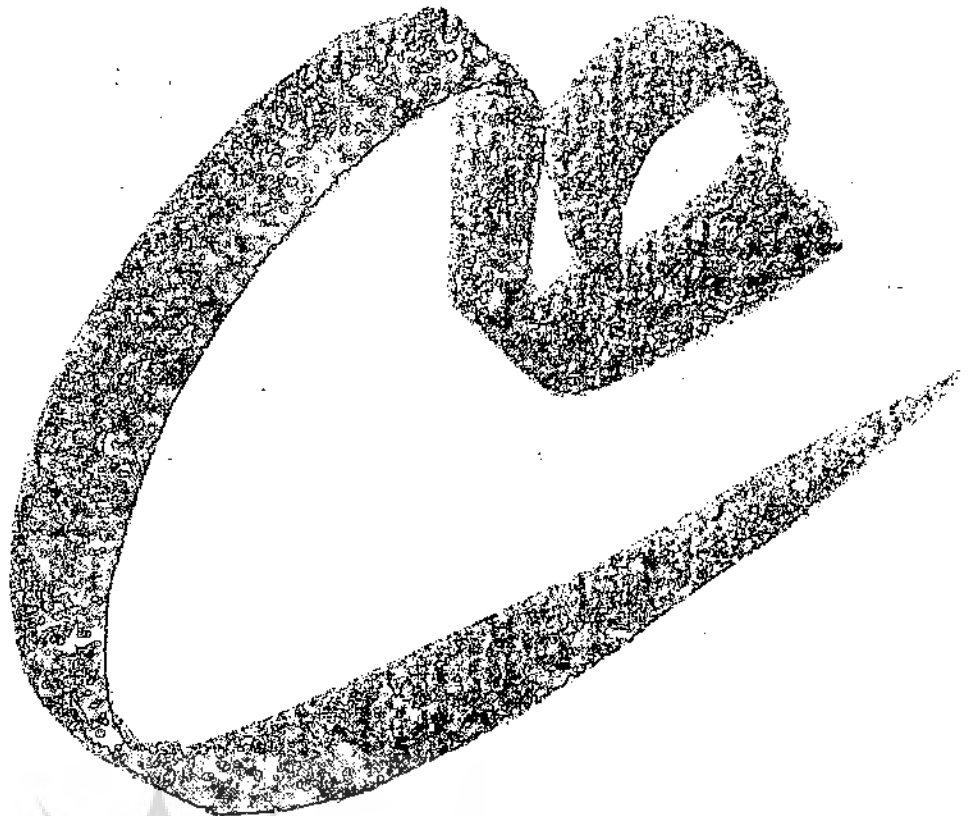
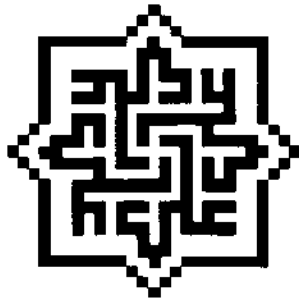
این گونه است که همیشه، گروهی از مخاطبان (چه در مورد آثار مذهبی و چه آثار غیرمذهبی) نادیده گرفته می شوند و اثر مذهبی، برای آدم های مذهبی و با انگیزه باقی می ماند؛ بی آن که تلاشی برای انتقال آموزه های مذهبی به کودکان و نوجوانان دیگر، صورت گرفته باشد.

زیبایی هم دارند. روزهایی هم چون تازیانه، مهر، برق شمشیرها درمختاب، تنی خسته، آخرین تیر تنهایی و سکوت، اما عجیب است که در کنار این همه دقت در نامگذاری کتاب (ماه در چاه) و نام گذاری فصول، چرا نویسنده برای نام گذاری بعضی از فصل های کتاب، تأمل بیشتری نکرده است: فاطمه بنت اسد، قول یکی از سربازان صفین، قول شاهد شهادت عمار و... گرچه نام های نامناسب نسبت به کل اثر بسیار اندکند، اما بدون شک، هماهنگ شدن آنها با روح کلی اثر، مناسب تر به نظر می رسد.

نکته دیگری که با مطالعه این کتاب به نظر می رسد، وجود جای پای نویسنده در صفحات کتاب است که اتفاقاً این بار، حضوری مثبت دارد و آن، همان صدای احساس نویسنده است که از لابه لای سطرهای کتاب به گوش می رسد و با خواننده همراهی می کند. این حضور، فقط در یکی دو مورد، شعاری و رو، از آب درآمده است: و گواهی باشد بر این که علی، گل سرسبد همه خوبان است. (ص ۵۴)

و یا: از نظر امام، زیربنا نهادن اخلاق، بهای گزافی از برای پیروز شدن است. (ص ۱۲۳)

بدون شک، بدون توصیف صریح شخصیت ها، از طریق گفت و گوها، حوادث و حالات نیز می توان آن ها را معرفی کرد بی آن که قضاوت شخصی نویسنده مطرح شود. به خصوص، در مورد شخصیت معصومان که زندگی و عمل شان، خود بیانگر صفات شان است و البته، باید اذعان کرد که رعایت این مطلب، با توجه به مسایلی که در ابتدای این نوشته در مورد داستان های مذهبی و علاقه



در سروده‌های خود به آنها اشاره کرده‌اند، گذری انلازم. اولین نکته این است که شاعران ما در منقبت و مدح امام نخستین، به روایت‌ها و تلمیحات اسلامی توجه بسیار دارند و آن روایت‌ها را وارد شعر خود کرده‌اند:

۱- میلاد امام علی (ع):

بوی خوب شب عید
در هوا پیچیده
توی کوچه، پایا
چند گلنار چیده
○
حلقه‌هایی از نور
دور هم می‌گردند
کوچه امشب دارد
چند تا گردنبد
○
در میان کوچه
هیچ کس غمگین نیست
باز جشن لبخند
شب میلاد علی است

(صهری ماهوتی)

و یا:

پوپک لبخند، بال و پرزان
روی لب‌های «ابی طالب» نشست
خوب یادم هست که قنناقه‌ای
داشت غرق بوسه می‌شد روی دست
○
... با صدایش زنده شد عطر بهار
در رگ گلیوته‌های مخملی
اولین آینه باغ خدا
آمد و مادر صدایش زد: «علی»

(حمید هنرجو)

۲- امامت:

برزمین بال فرشته پهن بود
آسمان شعر امامت می‌سرود
غنچه‌ای در قلب کعبه می‌شکفت
عطر گل در کوچه‌ها پیچیده بود
(حمید هنرجو)
اگر چه این قطعه شعر، اشاره‌ای به میلاد خجسته امام نخستین شیعیان دارد و این که، این امام همام در «کعبه» به دنیا آمده است، اشاره‌ای نیز به «امامت» دارد. البته درباره میلاد امام علی (ع) در خانه خدا، بزرگواری گفته است:

دینی و مذهبی بوده است و شاعران از باورها و پشتوانه‌های مذهبی، برای غنی‌تر کردن محتوا و درون‌مایه‌های اشعار خود، بهره‌مند بوده‌اند. البته در دوره صفویه، این بهره‌گیری از پشتوانه‌های مذهبی و منقبت‌سرایی و مدح ائمه اطهار، پررنگ‌تر می‌شود، اما مجال پرداختن به آن مقوله در این مقال نیست.

○

شعر کودک ما نیز از همان دوران آغازین شکل‌گیری و حرکتش، به نوعی با باورهای مذهبی همراه بوده است. درون‌مایه‌ها و بین‌مایه‌های شعری شاعران، هم چنین دغدغه‌های آنها دین و مذهب بود و لذا به کم‌تر شعری در حوزه کودک و نوجوان برمی‌خوریم که دین در آن، به طریقی نقش نداشته باشد. به دیگر سخن، ادبیات کودک ما نوعی ادبیات دینی است که البته میزان بهره‌گیری شاعران از مضامین دینی، متفاوت است. گاهی برخی از شاعران، بیش‌تر از پشتوانه‌های مذهبی بهره می‌برند و برخی دیگر کم‌تر، ولی اساساً بین مایه شعر کودک ایران، با دین و مذهب آمیخته است و انکارش نمی‌توان کرد.

اما یکی از چهره‌های مذهبی که سیمایش در شعر کودک تجلی زیبایی یافته، امیرالمومنین حضرت علی (ع) است. خصوصیات این انسان کامل و وارسته، اخلاق نیکو، منش پهلوانی، افتادگی و توجه به زیردستان و مسکینان و دیگر فضیلت‌های ارزشمند ایشان، موجب شده است که همه شاعران، چه در ادبیات کلاسیک و بزرگسال ما و چه در ادبیات کودک و نوجوان ما، به ستایش وی بپردازند و با سروده‌های خود، تلاش کنند این مرد نیک و پارسا و بزرگ را به آیندگان بهتر بشناسانند.

شعر کودک ایران زمین، تجلی گاه سیمای این شخصیت اهورایی است و برای این که از درازنویسی خودداری کنم، به بعضی از جنبه‌هایی که شاعران کودک،

نمی‌شود انکار کرد که ادبیات ایران زمین، از همان دوران آغازین، با دین و موضوعات دینی همراه بوده است. در اکثر سروده‌های شاعران بزرگ، «خداپاوری» به عنوان یک اصل تجلی می‌یافت.

اگرنگاهی اجمالی به شاهنامه فردوسی بیندازیم، در همان نگاه نخست «خداپاوری» و نیز ستایش پیامبر اکرم (ص) و مولای متقیان حضرت علی (ع) را به وضوح درمی‌یابیم:

به گفتار پیغمبرت راه جوی

دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

... که من شهر علمم، علی‌ام، دراست

درست این سخن، قول پیغمبر است (شاهنامه، ج ۱، صص ۹۰ و ۹۶)

که بیت دوم، ترجمه این حدیث ارجمند «انامدینه العلم و علی بابها» است.

حکیم فرزانه توس، درباب فضیلت ابوتراب می‌سراید:

اگر چشم داری به دیگر سرای

به نزد نبی و علی گیر جای

(همان، بیت ۱۱۰)

همچنین کسای مروزی، به عنوان نخستین شاعر شیعی مذهب، شعری در مدح حضرت امیر (ع) سروده است که ذکر آن در این جا خالی از لطف نمی‌تواند باشد:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر
بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد
جز شیر خداوند جهان حیدر کرار

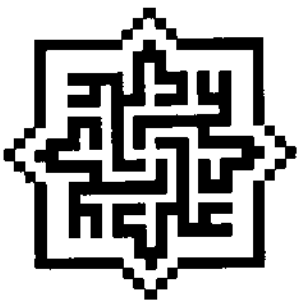
این دین هدی را به مثل دایره‌ای دان

پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیمبر

چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

همان گونه که می‌بینید، ادبیات ایران، همواره ادبیات



نیشابور، در منطق الطیر، این گونه بیان کرده است:
مصطفی جایی فرود آمد به راه

گفت آب آرند لشکر را ز چاه
رفت مردی باز آمد پر شتاب
گفت: پر خون است چاه و نیست آب
گفت: پنداری ز درد کار خویش
مرتضی در چاه گفت اسرار خویش
چاه چون بشنید آن، تابش نبود

لاجرم چون تو شدی، آبش نبود.
(منطق الطیر - صص ۳۱-۳۰)

در اشعار شاعران کودک سرا، این روایت اسلامی، با
زبانی ساده و قابل فهم برای کودکان و نوجوانان، بیان
شده است:

چاه آن جا بود
ساکت و تاریک و طولانی
در سکوت او
خشم یک دریای توفانی
... بین یارانش
چاه تنها همدم او بود
قلب سرد چاه
آه! لبریز از غم بود

او درون چاه
سر فرو می برد با اندوه
چاه پر می شد
از صدای ریزش آن کوه...

(ملیحه مهرپرور)

۵- امام علی (ع) و غدیر:

حضرت رسول (ص) در غدیر خم، مولای متقیان
حضرت علی (ع) را به جانشینی خود منصوب کرده است
و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم و ال من
والاه و عاد من عاداه» این حدیث مشهوری است و به
طرق متعدد، روایت شده است. راز آشنای بلخ، ملای
رومی، از این حدیث ارجمند این گونه بهره برده است:
زاین سبب پیغمبر با اجتهاد

نام خود و آن علی مولای نهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست

ابن عم من علی مولای اوست
(متنوی، دفتر شش ایات ۳-۴۵۵۲)

از این روایت اسلامی، بسیاری از شاعران کودک
نیز بهره برده و تلاش کرده اند واقعه غدیر خم و مسئله
جانشینی به حق حضرت امیر(ع) را به زبان شعر که
رساترین زبان هاست، برای کودکان و نوجوانان بیان کنند:

و یا:

منتظر ماندم من آن شب پشت در
تا بیایی اخم من را واکنی
باز هم مانند هر شب، سفره را
تو پر از نان و پر از خرما کنی

○

منتظر ماندم بیایی پیش من
تا که بشنیم کنارت شادمان
مثل بابایم بخندانی مرا
تا بخندد ماه هم در آسمان

○

منتظر ماندم، نیامد آن شب از
پشت در دیگر صدای پای تو
در میان کوچه تاریک ما
آه! خالی بود آن شب جای تو...

(افسانه شعبان نژاد)

۴- امام علی و سر در چاه فرو بردن:

پیرامون سر در چاه بردن مولا علی(ع) در فرهنگ
تلمیحات آمده است: «حضرت علی (ع) هنگامی که
دچار حزن فراوان می گشت، سر در چاهی فرو می برد و
راز و اندوه خویش را بیان می فرمود و آب چاه خون
می شد. در مناقب افلاکی (ج ۱ - ص ۴۸۲) از مولوی
منقول است که بعد از این که حضرت علی راز خویش را
به چاه گفت، نی نی رویید، چوپانی آن نی را برید و نواخت
و آزان اسرار الهی مترنم شد.»

(فرهنگ تلمیحات، ص ۴۰۶)

همین مضمون را عطار، ابن عارف و شاعر شوریده

میسر نگردد به کس این سعادت

به کعبه ولادت، به مسجد شهادت
که همه این فضیلتها از آن امیرمومنان است و سعادت
است بس بزرگ که باری تعالی نصیب ایشان کرد.

و یا:

پیچیده بوی یاس
در خانه خدا
لبخند می زند
شیرخدا به ما

(حسین احمدی)

و یا:

تو از دیار کعبه ای
سفر به سوی تو خوش است
تو بوی کعبه می دهی
چه قدر بوی تو خوش است

(نسرین صمصامی)

۳- امام علی (ع) و توجه آن حضرت به کودکان یتیم:

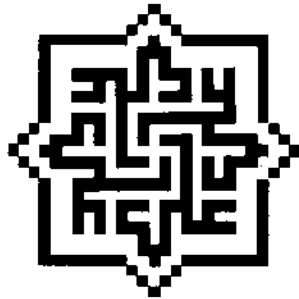
شب سیاه و کوچه خلوت
شهرخالی از هیاهو
ماه پیدا، یک نفر هم
تا سحر بیدار با او

○

قرص نانی هست با او
می دهد آن را به کودک
سیر می گردد دوباره
کودک تنهای کوچک

(علی اصغر نصرتی)





بعد از شب‌ها
غمگین و دلگیرند
غم‌های نخلستان
پایان نمی‌گیرند

(شهرام رجبزاده)

(بیوک ملکی)

(مهتری ماهویی)

منابع و ماخذ:

- ۱- احادیث مشهوری. بدیع الزمان فروزان‌فر، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر ۱۳۷۰
- ۲- بجزیره‌های آسمان، به کوشش بابک نیک‌طلب، چاپ اول، تهران، آفاق ۱۳۷۷
- ۳- فرهنگ تلمیحات، دکتر نیروس شمسیا، چاپ سوم، تهران: فردوس ۱۳۷۱
- ۴- شاهنامه فردوسی، جلد اول، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، چاپ اول، تهران: داد ۱۳۷۴
- ۵- شان نزول آیات، واحدی نیشابوری، سیوطی، مترجم دکتر محمدجعفر اسلامی، چاپ دوم، تهران: جامی ۱۳۷۱
- ۶- مشنوی مفیوی، جلال‌الدین محمد بلخی، تصحیح و توضیح دکتر محمد استعلامی، چاپ سوم، تهران: زوار ۱۳۷۵
- ۷- منطق الطیر، عطار نیشابوری، شرح دکتر صادق گوهرین، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی ۱۳۷۰
- ۸- نان و پروانه، به کوشش حسین حداد، چاپ اول، تهران: محراب قلم ۱۳۷۷

مسکینان، بارها در اشعار شاعران اشاره رفته است و روایت‌های متعددی نیز در این باره وجود دارد. چنان که گفته‌اند که حسین بیمار شدند و پیمبر به عیادت ایشان آمد و فرمود که برای بهبودی فرزندان نذری کنید. علی و فاطمه سلام الله علیهما سه روز روزه نذر کردند. حضرت علی سه صاع جو از جهودی قرض کرد و به نزد فاطمه آورد و او صاعی را آسیاب کرد و نان پخت و چون علی (ع) بعد از نماز شام به قصد افطار آمد، درویشی در زد. پس آن نان را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخورده و خوابیدند. روز دوم نیز به همین منوال یتیمی در زد و روز سیم اسیری. در روز چهارم که به نذر خود وفا کرده بودند؛ حسین نزد پیمبر رفتند. پیمبر گریست و جبرئیل سوره الانسان (الذکر) ۷۶ را آورد که با این آیه شروع میشود: هل ابی علی الانسان حین من الذکر لم یکن شیئا مذکوراً. و گفته‌اند که از آیه ۴ این سوره: ان الابرار... تا پایان آیه ۲۲. و کان سعیم مشکوراً ذریاره این ماجرا و حضرت علی، فاطمه و حسین است.

(فرهنگ تلمیحات، صص ۴۰۸-۴۰۹)

و یا ذریاره شان نزول آیه ۸ سوره انسان (و یطمعون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسرا) آورده‌اند: «عطاء از ابن عباس گویند: علی بن ابی طالب شبی تا صبح خود را اجیر ساخت تا نخلستانی را آبیاری کند و در عوض، مقداری جو دستمزد گیرد. جو را گرفت و یک سوم آن را آسیاب کرده و از آن غذایی که نام آن «خزیره» بود، فراهم ساختند. گویند وقتی که طعام پخته و آماده شد، مشکینی آمد. آنان آن طعام را به او دادند. حضرت ثلث دوم را آسیاب کرده و غذایی ساختند، پیمبر آمد و سوال کرد: آن را به او دادند. پس ثلث سوم را آسیاب کرده و طعامی آماده کردند که اسیری از مشرکان آمد و سوال کرد: آن را به او دادند و آن شب را گزینته خوابیدند. پس این آیت را خدا فرو فرستاد.

(شان نزول آیات، صص ۵۶۶-۵۶۵)

۷- شهادت امام علی (ع)

شاید بتوان گفت یکی از موضوعاتی که شاعران در سرایش شعر کودک، بسیاریان توجه داشته و شعرهای سوزناکی سروده‌اند، موضوع شهادت حضرت امیر (ع) است. نوع شهادت مولا (ع) ایثارش و بخشش و دیگر فضایل حضرت، موجب شده است شاعران به این مقوله توجه بیش‌تری داشته باشند. به هر روی، شعرهای مربوط به شهادت حضرت فراوان است و هر شاعری باز نظرگاه خویش، به این مسئله، عنایت و توجه کرده است.

درخت بر زمین ریخت
ز غصه برگ خود را
گونه خاک تر شد
از اشک چشم گل‌ها

... زمین و آسمان شد
ز غصه تیره و تار
جهان به سوگ علی
نشست و شد عزادار

(شکوه قاسم‌نیا)

و یا:

آن روز محمد از نگاهش

بر چهره دشت نور پاشید

از پشت تمام تیرگی‌ها

خورشید به روی دشت خندید

○

از دعوت آسمانی او

آرام علی ز جای برخاست

او گفت پس از غروب خورشید

این رود زلال حکمفرماست

(رودابه حمزه‌ای)

ع امام علی (ع) و ماه مبارک رمضان:

در بسیاری از اشعار کودک، هرگاه که به ماه مبارک رمضان اشاره رفته است، بی‌گمان نام مولا علی (ع) و نیز فضیلت‌های او در آن شعر به چشم می‌خورد. ماه رمضان با علی (ع) همراه است و علی (ع) با ماه رمضان: ماه، ماه روزه است

روز، روز ضربت است

از مصیبت علی

در دلم قیامت است

○

روزهای ماه را

گرچه روزه بوده‌ایم

ما به نغمه‌های چرب

روزه را گشوده‌ایم

○

... توی سفره‌اش علی

شریت خنک نداشت

در کنار نان جو

او به جز نمک نداشت

○

و یا:

علی بود و همراز او فاطمه

و در پیش آنها سه فرزندشان

همه روزه بودند و در انتظار

که روید گل بازیان آنان

○

همه روزه بودند و افطار شد

و یک سفره ساده روی زمین

دو تا قرص نان بود یک کاسه شیر

و یک کاسه آب، تنها همین

○

فقیری به در زد: «کسی خانه نیست؟»

من بی‌نوا را کمی نان دهید.

صدایش که بوی غم و درد داشت

به گوش همان روزه‌داران رسید

○

... علی از سر سفره برخاست زود

به یک دست نان و به یک دست شیر

غذا را علی برد تا پشت در

نہاید گرسنه بماند فقیر...

(مصطفی رحماندوست)

درباره توجه و عنایت حضرت امیر (ع) به فقرا و